

ساختارهای اجتماعی "بندپی شرقی" و نقش آن در مدیریت بر منابع طبیعی منطقه

عباس علیپور نخعی*

* استادیار پژوهش، بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی مازندران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ساری، ایران. dr.alipour82@gmail.com

چکیده

بندپی شرقی منطقه‌ای آشنا در پهنه منابع طبیعی شمال ایران است که به دلیل الگوی پراکنده سکونت‌گزینی چهره‌ای نامطلوب از وضعیت کیفی جنگل را در این منطقه به‌نمایش گذاشته است. بزرگترین و مهمترین طایفه آن، طایفه فیروزجاه با ۲۳۹۲ خانوار می‌باشد. این طایفه از ۲۷ تیره تشکیل شده که از میان خود ۵ نفر را به‌عنوان اعضای شورای مرکزی و این ۵ نفر هم یک نفر را به‌عنوان رئیس شورا انتخاب می‌نمایند. منطقه به‌لحاظ قشربندی اجتماعی به پنج ناحیه تقسیم که در آن دو نوع بهره‌برداری از مراتع انجام می‌شود: الف) بهره‌برداری با مالکیت مشاع در مراتع غیرمشجر (پرکوه، ساکوه، سرکوه) و ب) بهره‌برداری با مالکیت خصوصی در مراتع مشجر (مازرون، مه‌سر، رجه، پرتاس). با گسترش نقش و عملکرد این ساختار از محدوده با مالکیت‌های مشاع به محدوده با مالکیت‌های فردی می‌توان نسبت به افزایش توان تولید سرپای چوب امیدوار بود. در این راستا با واگذاری مراتع مشجر "قشلاق، مه‌سر و رجه" در قالب طرح نهضت مردمی غرس یک میلیارد اصله نهال به‌شرط نگهداری تا زمان برداشت و رهاسازی مراتع مشجر پرتاس و پرکوه از سوی مالکین دارای پروانه چرا می‌توان به افزایش پوشش جنگلی در این بخش از منطقه امید زیادی داشت. برای ضمانت موفقیت اجرای این طرح حتماً سران تیره‌ها (سربنیچه‌ها) بایستی دخالت مستقیم داده شوند.

واژگان کلیدی: بندپی شرقی، ساختارهای اجتماعی، طایفه، مراتع، منابع طبیعی.

بیان مسأله

بندپی شرقی منطقه‌ای است آشنا در پهنه منابع طبیعی شمال ایران که از ویژگی‌های بارز و چشمگیر آن الگوی پراکنده سکونت‌گزینی با آبادی‌های دارای سیمای متفرق و فواصل معین که به‌صورت واحدهای بهره‌برداری مجزا تمامی سطح فضا را اشغال نموده و حدود مالکانه افراد با حصارها و چپرها از هم کاملاً جدا می‌باشد. معیشت دامداری سنتی به‌همراه این نوع از الگوی سکونت چهره‌ای نامطلوب از وضعیت کیفی جنگل را در این منطقه به‌نمایش گذاشته است. مسأله اساسی، تخریب بالای جنگل‌های این منطقه به‌سبب حضور انبوه جمعیت انسانی و دامی در قالب دامداری‌های سنتی می‌باشد. این مسأله به‌دنبال خود باعث وقوع حوادث تلخ ناشی از این فعالیت‌ها در منطقه شده است. در حال حاضر مساحت این منطقه معادل ۱۱۰ هزار هکتار بوده که از این میزان، ۳۱ هزار هکتار شامل مراتع ییلاقی و غیرمشجر و ۷۹ هزار هکتار آن نیز در زمره مراتع مشجر و قشلاقی می‌باشد. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت این منطقه را بالغ بر ۲۵۷۲۴ نفر در قالب ۸۲۹۸ خانوار در ۳۲۹ آبادی اعلام نموده که از این تعداد ۱۹۸ پارچه آبادی (۶۰/۲ درصد) خالی از سکنه بوده و تنها به‌عنوان گاوسرا مورد استفاده دامداران قرار می‌گیرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با توجه به مستندات اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری منطقه ساری به‌منظور حفظ توان تولیدی دامداران بعد از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۲ برای ۱۲۰ هزار واحد دامی سبک و سنگین در این منطقه پروانه چرا صادر شده که با توجه به حضور ۶ ماهه این دام‌ها در مراتع جنگلی این منطقه با فرض بر این که هر واحد دامی در طول روز یک نهال را تعلیف نماید، حدود ۲۱ میلیون اصله نهال مورد تعلیف دام‌ها در این مدت قرار می‌گیرد که اگر هزینه تولید و غرس نهال را در مناطق جنگلی برمبنای فهرست بهای واحد پایه رشته آبخیزداری و منابع طبیعی در سال ۱۴۰۱ معادل ۳۹۸۰۰ ریال در نظر بگیریم (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۱)، رقمی معادل ۸۳۵/۸ میلیارد ریال خسارت ناشی از حضور دام و فعالیت دامداری در این منطقه برآورد می‌شود. متأسفانه دولت به‌دلیل حاکم بودن ساختار عشیره‌ای عملاً مداخله‌ای در مدیریت این منطقه نداشته و هرگونه طرحی برای تغییر مناسبات اقتصادی با شکست مواجه شده است. در این مقاله کوشش خواهد شد با توجه به یافته‌های علمی طرح پژوهشی که با روش مردم‌شناسی بین سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۹ انجام گرفته است و همچنین بازخوانی این یافته‌ها با حضور مستمر سالیانه در این منطقه، تصویری روشن از ساختار اجتماعی غیررسمی حاکم بر آن ارائه نماید. ساختاری که در طول ۶ دهه بعد از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع همچنان در حال هدایت سیاست‌گذاری‌های ملی، منطقه‌ای و محلی در جهت منافع خود می‌باشد. از آن جایی که داشتن آگاهی و شناخت همه جانبه از همه زوایای پنهان و پیدای یک مسأله در تدوین برنامه‌ریزی‌های دقیق گامی اساسی به‌شمار خواهد رفت، یافته‌های علمی و ترویجی این مقاله می‌تواند اطلاعات مهمی را فراروی سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان منابع طبیعی کشور و منطقه به‌عنوان بهره‌برداران اصلی این تحقیق قرار دهد.

دستاوردها

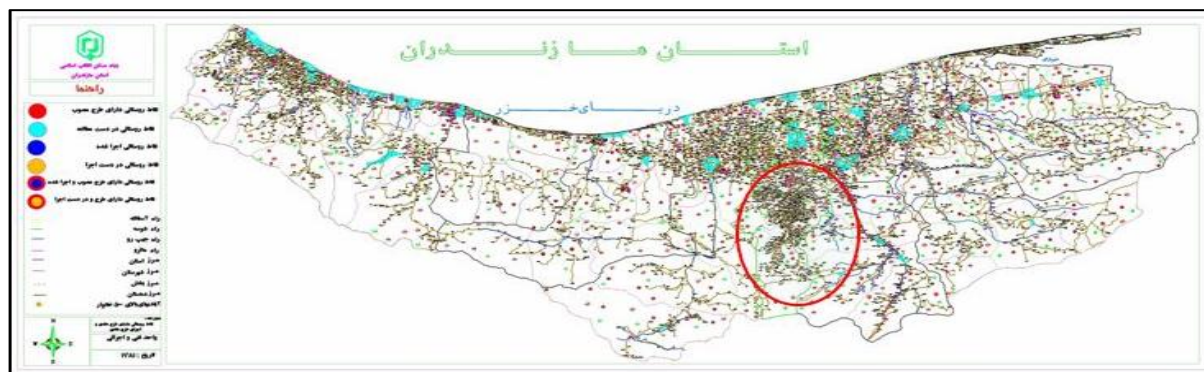
- منطقه تحقیق بخش بندپی شرقی واقع در جنوب شهرستان بابل مشتمل بر دو دهستان سجادرود و فیروزجاه می‌باشد. این منطقه از شمال به دهستان‌های گتاب و بابل‌کنار، از جنوب به رشته کوه‌های البرز و استان تهران، از غرب به شهرستان سوادکوه و از شرق به شهرستان آمل محدود می‌گردد. به‌لحاظ فیزیوگرافی و شکل زمین، حوزه تحقیق از سه تیپ کاملاً متمایز تشکیل شده است:

(۱) واحد دشتی

(۲) واحد کوهپایه‌ای

(۳) واحد کوهستانی

که واحدهای اول و دوم دهستان سجادرود و واحد سوم دهستان فیروزجاه را دربر می‌گیرد. مساحت حوزه تحقیق بالغ بر ۶۲۵۹۰ هکتار بوده که ۱۸۲۷۰ هکتار در دهستان سجادرود و ۴۴۳۲۰ هکتار در دهستان فیروزجاه واقع شده است. جمعیت محدوده مطالعه بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ معادل ۳۵۲۳۲ نفر در قالب ۱۱۳۰۱ خانوار بوده که از این تعداد ۸۲۹۸ خانوار با جمعیتی معادل ۲۵۷۲۴ نفر در بخش جلگه‌ای (دهستان سجادرود) و ۸۶۵ خانوار با جمعیتی معادل ۲۶۰۰ نفر در بخش کوهپایه‌ای و کوهستانی (دهستان فیروزجاه) زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی جمعیت کشور به تفکیک تقسیمات کشوری تا سطح آبادی، ۱۳۹۵).



شکل ۱- تراکم آبادی‌های منطقه مورد مطالعه بر روی نقشه تقسیمات سیاسی وزارت کشور، سال ۱۳۹۵

- نتایج حاصل از استخراج اطلاعات میدانی جمع‌آوری شده در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بخش بندپی شرقی دارای ساختار طایفه‌ای بوده و بزرگترین و مهمترین طایفه آن نیز طایفه فیروزجاه با ۲۳۹۲ خانوار می‌باشد. طایفه فیروزجاه از ۲۷ تیره که در اصطلاح محلی با نام "بنیچه"^۱ نامیده می‌شود تشکیل شده است. هر یک از سربنیچه‌ها دارای رئیسی با ویژگی‌های شاخص به‌لحاظ مدیریتی است که از منافع تیره خود در تعامل با تیره‌های دیگر برای تنظیم قرار و مدارهای غیررسمی جهت بهره‌برداری از منافع موجود در منطقه دفاع می‌نماید. طایفه فیروزجاه برای حفظ انسجام و داشتن زبان مشترک از میان ۲۷ تیره خود، ۵ نفر را به‌عنوان اعضای شورای مرکزی انتخاب و اعضای شورای مرکزی نیز از میان خود یک نفر را به‌عنوان رئیس شورای مرکزی بندپی انتخاب می‌نمایند. فرد انتخاب شده نماینده غیررسمی برای کنترل و نظارت بر کلیه فعالیت‌های عمرانی، اجتماعی، سیاسی از سوی مجامع دولتی و غیردولتی بوده و هماهنگ‌کننده تیره‌ها جهت چگونگی نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی منطقه می‌باشد.

^۱ بنیچه، اصطلاح محلی معادل تیره در ساختار اجتماعی عشایر ایران است. در ساختار اجتماعی عشایر ایران، تیره از مجموع چند رده کوچک‌تر تشکیل می‌شود که عمدتاً بعد از طایفه قرار دارد و رکن اصلی طایفه و ایل محسوب می‌شود. اساس تیره مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی واقعی و اصل و نسبی از خط صلبی (پدری) است که همبستگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاع از منافع افراد عضو را به‌عهده دارد.

جدول ۱- مشخصات نام، تعداد خانوار و مکان استقرار طوایف موجود در بخش بندپی شرقی بابل

ردیف	نام طایفه	تعداد تیره	تعداد خانوار	مکان استقرار
۱	فیروزجاه	۲۴	۲۳۹۲	بخش بندپی شرقی
۲	گاوزن	-	۱۳۷	روستای گاوزن محله
۳	سماگوش	-	۲۸۱	روستاهای زسماگوش، خواجه کلا، سرجی کلا، لمسوکلا
۴	خلیل	-	۳۶	روستای خلیل کلا
۵	آری	-	۵۹	روستای آری
۶	پاشا	-	۱۱۰	روستای سید نظام‌الدین
۷	تہمتن	-	۱۳۰	روستای تہمتن
۸	کوهی	-	۸۵	روستای امامزاده عباس
۹	بتیار	-	۱۴۳	روستای لدار
۱۰	باکر	-	۲۹۰	روستای ادملا
۱۱	تالش	-	نامشخص	نامشخص
۱۲	سادات	-	۲۸۴	روستای پوست کلا

ماخذ: یافته‌های میدانی محقق

جدول ۲- مشخصات رؤسا و تعداد خانوارهای تیره‌های طایفه فیروزجاه از بخش بندپی شرقی

ردیف	نام تیره	نام رئیس تیره	تعداد خانوار تیره
۱	ادب	مهندس ادبی	۳۶۵
۲	شال	میرزا قاسم آقا کاظمی	۱۹۲
۳	عرب	حاج نعمت عرب	۱۷۳
۴	گرگانی	حاج محمد گرگانی	۱۶۲
۵	حیدری	حاج محمد حیدری (فوت شده)	۱۳۱
۶	چلخ	حاج علیرضا غلامعلی تبار	۱۳۱
۷	لب	حاج علی‌بابا مهرعلی تبار	۱۲۵
۸	کرد	محمدعلی عباسی	۱۱۵
۹	عباس تبار	مشهدی کاظم رحمانی	۱۰۷
۱۰	پریجایی نشیر	حجه‌السلام حسین تباری	۱۰۳
۱۱	گیلا	اشرف کریمی (فوت شده)	۹۳
۱۲	لاغری	نورعلی لاغری	۸۶
۱۳	استاچالی	حاج رحمت عسگری	۶۵
۱۴	گلچوب	حاج حسین گلچوب	۶۰
۱۵	گلبرونی	حاج محمد آقا محمدی	۵۸

ادامه جدول ۲- مشخصات رؤسا و تعداد خانوارهای تیره‌های طایفه فیروزجاه از بخش بندپی شرقی*

ردیف	نام تیره	نام رئیس تیره	تعداد خانوار تیره
۱۶	محسن تبار	استاد علی جان محسن تبار (فوت شده)	۵۵
۱۷	تک	حاج رضا تک	۵۴
۱۸	گوهری	آقاخان گوهری	۵۲
۱۹	لندی	حاج ابوالقاسم الهی	۵۰
۲۰	کبودتبار	حاج محمدعلی کبودتبار	۴۶
۲۱	لرگی	حاج بابا عباسی	۴۵
۲۲	فته	حاج مهرعلی فیروزپور	۳۷
۲۳	متولی	حاج علی برار متولی	۱۹
۲۴	سرخان	زمان بابازاده	۱۶
۲۵	پیرتبار	-	۱۱
۲۶	طلایی	حاج نبی الله طلایی	۱۰
۲۷	سایر	-	۳۱

ماخذ: یافته‌های میدانی محقق

ساخت اجتماعی منطقه بندپی تا حدود زیادی منبعث از ساختار طایفه‌ای کشور به شرح ذیل می‌باشد:

طایفه ← فیروزجاه

تیره (بنیچه) ← عباس تبار

دسته ← ابوالقاسم

خانواده ← مهدی، حسین، جمعلی

گروه‌ها ← قزمچای، الیاد (آهنگر)، میرشکار، خراط

- نگرش‌های قومی و قوم‌مداری در بخش بندپی شرقی برگرفته از مکان استقرار طوایف و تیره‌ها در دو منطقه جلگه‌ای و جنگلی (کوهستانی) بوده، به طوری که ساکنین آبادی‌های جلگه‌ای مردم ساکن در آبادی‌های جنگلی واقع در دهستان‌های فیروزجاه و سجادرود را "گالش، جنگلی، پریجایی و کوهی" که نماد کم سواد و دوربودن از مدنیت می‌باشد قلمداد و ساکنین آبادی‌های جنگلی و کوهستانی مردم آبادی‌های جلگه را با عنوان "مازنی" که معرف آدم‌های ضعیف، کم اراده، و فاقد شجاعت می‌باشند، می‌نامند.

- بخش بندپی شرقی به لحاظ قشربندی اجتماعی به ۵ منطقه ذیل تقسیم می‌شود:

(۱) دهستان فیروزجاه با اکثریت دامدار (۸۸/۸٪)

(۲) دهستان فیروزجاه با اقشار مختلط

(۳) دهستان سجادرود با اقشار اکثریت دامدار (۸۱/۵٪)

(۴) دهستان سجادرود با اقشار مختلط

(۵) دهستان سجادرود با اقشار کشاورز (۵۷/۴٪)

جدول ۳- توزیع درصد اقشار اجتماعی منطقه مورد مطالعه بر اساس مناطق پنج‌گانه قابل مشخص

شاخص	نوع شغل	کشاورز	کارگر روزمزد	کارمند	صنایع روستایی	آزاد	دامدار	بازنشسته	خانه‌دار	بیکار
منطقه اول (دهستان فیروزجاه با اقشار اکثریت دامدار)	۲/۲	۳/۳	۱/۵	۱/۲	۰/۴	۸۸/۸	-	۱/۹	-	-
منطقه دوم (دهستان فیروزجاه با اقشار مختلط)	۳۹/۴	۱۸/۱	۷/۳	۳/۶	۴/۹	۱۱/۱	۵/۵	۸/۸	۱/۳	-
منطقه سوم (دهستان سجادرود با اقشار اکثریت دامدار)	۵/۵	۲/۴	۳/۲	۰/۹	۲/۲	۸۱/۴	-	۳/۴	-	-
منطقه چهارم (دهستان سجادرود با اقشار مختلط)	۱۴/۶	۲۴/۹	۱۹/۵	۲	۲۳/۳	۴/۳	-	-	-	-
منطقه چهارم (دهستان سجادرود با اقشار کشاورز)	۵۷/۴	۸/۱	۱۳	۰/۹	۱۰	۲/۴	-	-	-	-

ارتباط نظام‌های بهره‌برداری از مراتع با ساختار اجتماعی منطقه تحقیق:

- بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر دو نوع بهره‌برداری از مراتع در منطقه وجود دارد:

الف) بهره‌برداری با مالکیت مشاع

ب) بهره‌برداری با مالکیت خصوصی

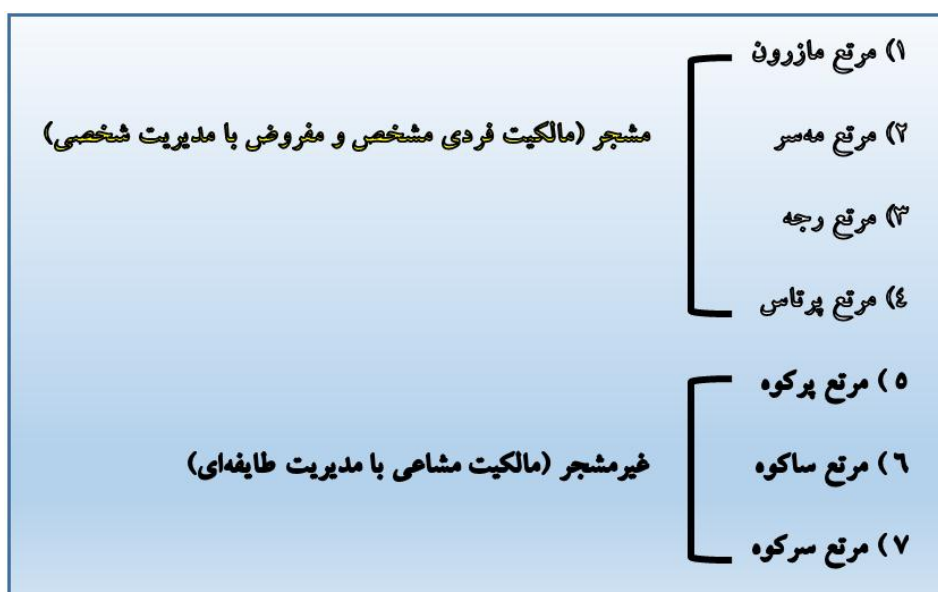
- در منطقه تحقیق این دو نوع بهره‌برداری در دو تیپ متفاوت اکولوژیکی قابل مشاهده است:

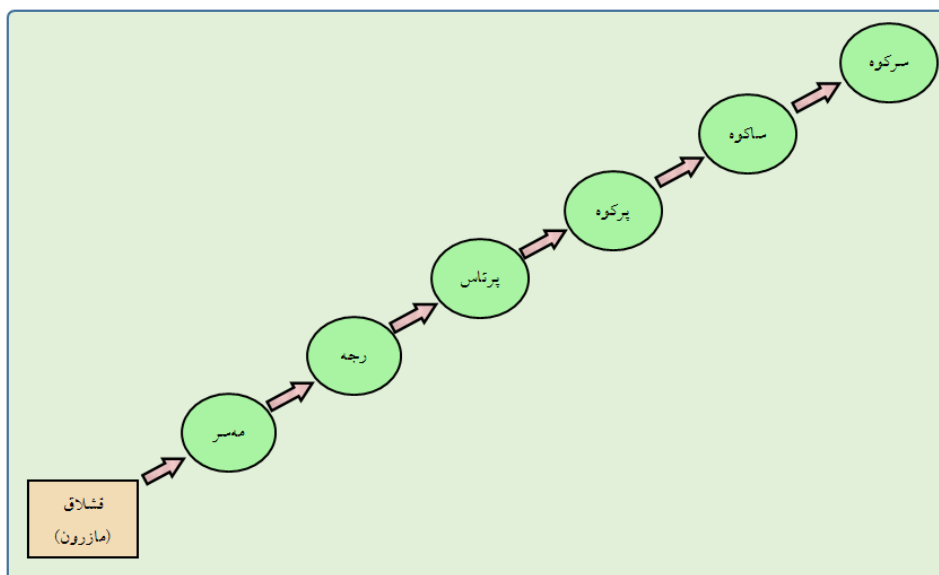
۱) بهره‌برداری با مالکیت مشاع در مراتع غیرمشجر

۲) بهره‌برداری با مالکیت خصوصی در مراتع مشجر

مالکیت هر یک از مراتع در منطقه تحقیق کاملاً متفاوت است و بر اساس طبقات ارتفاعی از حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰۰ متر به

صورت زیر تقسیم‌بندی می‌شود:





شکل ۲- تقسیم‌بندی مراتع بر اساس طبقات ارتفاعی از حداقل ۲۰۰ تا ۳۰۰۰ متر در منطقه تحقیق

محمد رضا گرگانی (فاقد مرتع)	احمد علی گرگانی (۲۰ هکتار)	علی اصغر حیدری (۵-۶ هکتار)
رحیم گرگانی (۷ هکتار)	مشهدی موسی حیدری و حاج محمد حیدری (ربع هکتار)	
اسحاق گرگانی (۶-۷ هکتار)	حاج محمد اسماعیل مهر علی پناه (۳۰ هکتار)	حاج علی مهر علی پناه (۲۰ هکتار)
رحمان گرگانی (فاقد مرتع)		

شکل ۳- نمایش شماتیک مالکیت شخصی مراتع مشجر در بخشی از روستای افراکتی بندپی شرقی

ویژگی‌های مراتع مشجر با مالکیت مفروز:

(۱) محصوربودن حدود مالکانه با چپر، سنگ، چوب و سیم‌خاردار که در اصطلاح محلی به آن "سامان" می‌گویند.

(۲) تقسیم مراتع برای کاربری‌های متفاوت، به طوری که مراتع مازرون (قشلاق) برای احداث واحدهای مسکونی، طویله، اصطبل، انباری، تأسیسات و مراتع "مه‌سر، رجه و پرتاس" برای تعلیف دام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(۳) تصرف تمام مراتع به وسیله ساختار عشیره‌ای منطقه و تمرکز تیره‌ها در آبادی‌هایی که با یکدیگر بستگی‌های خویشاوندی دارند.

(۴) تشکیل آبادی‌هایی با الگوی متفرق که در مساحت‌های متغیر از جنگل با تمرکز چند خانه از افراد یک تیره به وجود آمده که در اصطلاح محلی به آن "تالار" نامیده و از اجتماع چند تالار و چند خانه هم یک آبادی به وجود می‌آید.

ویژگی‌های مراتع غیرمشجر با مالکیت مشاع:

(۱) استفاد از مراتع در قالب چند خانوار از یک تیره که دارای پروانه چرای مشترک می‌باشند.

(۲) شکل‌گیری آبادی‌هایی با الگوی متمرکز مربوط به هر تیره که دارای سامان عرفی مشترک می‌باشند.

(۳) اعمال مدیریت "قرق" از سوی شورای مرکزی بندپی به منظور تأمین عادلانه منافع همه دامداران طایفه فیروزجاه.

(۴) شکل‌گیری ساختار مدیریتی ویژه که از درهم آمیختگی باورهای مذهبی مردم با نحوه بهره‌برداری از مراتع غیرمشجر حاصل شده، منجر به ظهور و بروز نمادهای فرهنگی ویژه در زمان حضور در مراتع شده که به همبستگی‌های قومی و عشیره‌ای آنان کمک زیادی می‌نماید.

توصیه ترویجی

ساختار اجتماعی منطقه بندپی دو تأثیر متفاوت را بر مراتع مشجر با مالکیت‌های شخصی و مراتع غیرمشجر با مالکیت‌های مشاع داشته، به طوری که در بخش قلمرو جنگلی به واسطه الگوی سکونت‌گزینی متفرق که با تعصبات مکانی تیره‌ها و طوایف همراه می‌باشد، آثاری از جنگل‌های تجاری به چشم نخورده اما در مراتع با مالکیت‌های مشاع همین ساختار اجتماعی، مدیریت سنتی "فرق" را شکل داده که هدف آن حفظ توان اکولوژیکی مراتع بوده است. این ساختار مدیریت سنتی، "فرق" را با تلفیق نمادهای فرهنگی (باورهای مردم منطقه در مورد حضرت شیخ موسی) و مذهبی (حضرت امامزاده عبدالله) و عناصر مذهبی همانند روحانیت توانسته که ضمانت بالایی را برای اعمال درست این نوع از مدیریت ارائه نماید. به همین منظور توصیه می‌گردد:

- ساختار اجتماعی فعلی منطقه حفظ و با گسترش نقش و عملکرد آن از محدوده با مالکیت‌های مشاع به محدوده با مالکیت‌های فردی نسبت به افزایش توان تولید سرپای چوب اقدام نمود.
- با واگذاری مراتع مشجر "قشلاق، مه‌سر و رجه" در قالب طرح نهضت مردمی غرس یک میلیارد اصله نهال به شرط نگهداری تا زمان برداشت و رهاسازی مراتع مشجر پرتاس و پرکوه از سوی مالکین دارای پروانه چرا می‌توان به افزایش پوشش جنگلی در این بخش از منطقه امید زیادی داشت.
- برای ضمانت موفقیت اجرای این طرح حتماً سران تیره‌ها (سربنیچه‌ها) دخالت مستقیم داده شوند.

فهرست منابع

- سازمان برنامه و بودجه کشور. ۱۴۰۱. فهرست بهای واحد پایه رشته آبخیزداری و منابع طبیعی.
- علیپور، ع. ۱۳۷۷. بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی استمرار شیوه‌های دامداری سنتی در منطقه بندپی بابل. گزارش نهایی طرح تحقیقاتی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی مازندران، ساری، ایران.
- علیپور، ع. ۱۳۸۷. بررسی و تحلیل نقش ادارک محیطی جوامع محلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی حوزه‌های آبخیز شمال ایران- مطالعه موردی: حوزه آبخیز "وازرود نور". پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۵. نتایج تفصیلی جمعیت کشور به تفکیک تقسیمات کشوری تا سطح آبادی.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۵. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بابل.